

معرفی کتاب

الحلقة الاولى من تاريخ نيسابور المنتخب من السياق

○ الحلقة الاولى من تاريخ نيسابور

المنتخب من السياق

○ تالیف: الحافظ ابوالحسن عبدالغافر بن

اسماعيل الفارسي (۵۲۹-۴۵۱ هـ. ق)

○ تلخیص: الحافظ ابواسحق ابراهيم بن

محمد بن الازهر الصريفيني (۵۸۱-۶۴۱ هـ. ق)

○ ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۶۲ ش / ۱۴۰۳ هـ. ق

○ نادره جلالی

نیشابور، یکی از چهار شهر بزرگ خراسان، در طول تاریخ همواره حوادث گوناگونی را به چشم دیده و فراز و نشیب‌های بسیاری را از سر گذرانده است. بنای اصلی این شهر را به شاهپور پسر اردشیر بابکان نسبت می‌دهند. مشهور است شاهپور در خراسان پادشاهی تورانی به نام پهلویک (پالزهاک، پالچیهاک) را شکست داد و کشت و در آن مکان شهر نیوه‌شاهپور (کارنیک) را بنیان نهاد.

چون دگر باره آسیب فراوان دید، به همت شاهپور دوم مرمت گردید و گسترش یافت و در عهد یزدگرد دوم بر اعتبار و اهمیت این شهر افزوده شد و بطور کلی در روزگار ساسانیان از اهمیت زیادی برخوردار گشت. ظاهراً بعد از شاهپور دوم بود که نام این شهر بیشتر «برشهر» خوانده شد. چنانکه در آغاز اسلام حتی در عهد عباسیان نیشابور را ابرشهر می‌نگاشتند.

این شهر از آغاز اسلام تا عهد مغول نیز همواره مورد توجه حکام و فرمانروایان قرار داشته است. طاهریان نخستین سلسله مستقل ایرانی بعد از اسلام، آن را پایتخت خود قرار دادند و در آبادانی آن جد و جهد کردند. خصوصاً در عهد عبدالله بن طاهر، یکی از مراکز مهم علم و دانش دنیای اسلام شد. صفاریان و سامانیان نیز در این راه بسیار کوشیدند و به آن توجه نمودند. به طوری که عمرولیث صفاری درباره آن گفت: «شهری را گرفته‌ام که کل آن خوردنی، بوتۀ آن ریواس و سنگهای آن فیروزه است».

طغرل بیگ سلجوقی مؤسس سلسله سلجوقیان، این شهر را در ۴۲۹ هـ. ق فتح کرد. از آن پس نیشابور مهد شعر، عرفان، فلسفه و هنر و به کلامی کوتاه مرکز تجمع علما و اندیشمندان شد. عمیدالملک کندی وزیر معروف سلاجقه از همین دیار بود. مدرسه نظامیه را خواجه نظام‌الملک در عهد ملکشاه در همین شهر بنا کرد. شیخ عطار نیشابوری و خیام و امیرمعزی شاعران معروف از این ناحیه برخاستند. سلطان سنجر اگرچه در مرو اقامت گزید، ولی این شهر به دلیل آن که در مسیر شاهراه تجارتي بود اهمیت زیادی یافت تا این که نیشابور با سیل هجوم غزان مواجه شد و ذخایرش به باد غارت رفت. به طوری که انوری در اشعارش به این مساله اشاره دارد:

خبرت هست کزین زیر و زبر شوم غزان

نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر و زبر

مسجدجامع هر شهر ستورانشان را

پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در

رحم کن رحم بر آن قوم که نبود شب و روز

در مصیبت‌شان جز نوحه‌گری کار دگر

سرانجام با حمله خانمان سوز مغول، این شهر رو به ویرانی نهاد و بسیار فجایع و قتل و غارت‌ها به خود دید. چنان که گذشت این شهر از دیرباز به خاطر وسعت و آبادانی و عظمت مورد توجه بوده، از این رو کتب متعددی درباره آن به رشته تحریر درآمده است. با کندی‌کاوی کوتاه در میان متون تاریخی می‌توان شاهد این مدعا را گفته ابوالحسن علی بن زید بیهقی مؤلف تاریخ بیهقی آورد که به قول او تنها تا نیمه قرن ششم هـ. ق برای آن شهر، چهار کتاب نوشته شد.

یکی از آنان تاریخ نیشابور تألیف ابوالقاسم کعبی بلخی (متوفی ۳۱۷ هـ. ق)، فیلسوف بزرگ و متکلم خراسان در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هـ. ق است که ظاهراً اصل آن در کتابخانه مسجد عقیل نیشابور سوخت.

دیگر از آثار مهمی که در باب این شهر به رشته نگارش درآمد، تاریخ نیشابور اثر ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱ هـ. ق) است که به قولی در چهارده و به روایتی در دوازده مجلد تألیف شد. این اثر تا قرن ۱۱ هـ. ق، یعنی در عهد حاجی خلیفه در دست بود، ولی امروزه متأسفانه اصل آن در میان نیست. در این کتاب مهم، ابوعبدالله حاکم شرح حال ۲۶۸۰ تن از بزرگان نیشابور را از صحابه آغاز کرده و به دانشمندان هم عصر خود خاتمه می‌دهد. همچنین درباره نیشابور، ساختار شهر و رستاق، دیه‌های پیرامون آن، میدان، محلات، مقابر و مساجد و ابنیه آن اطلاعات مهمی عرضه می‌دارد و مجموعه قابل ملاحظه‌ای از نام‌های جغرافیایی بدست می‌دهد که در جاهای دیگر به این دقت نمی‌توان یافت. تاریخ نیشابور حاکم، مأخذ عمده ابوالحسن بیهقی در تاریخ بیهقی بوده و مؤلفان بعدی چون سمعانی و یاقوت در تحریر مطالب آثار خود از آن بهره برده‌اند. از کتاب حاکم، تلخیص‌ها و ترجمه‌های متعددی از همان روزگار نزدیک به عصر مؤلف صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به تلخیص حافظ شمس‌الدین ذهبی تحت عنوان مختصر تاریخ‌الحاکم یا مختصر تاریخ نیشابور اشاره داشت.

الحلقة الأولى من
تاريخ نيسابور
المنتخب من السيان

تأليف

الحافظ أبو الحسن عبد الغافر بن اسمعيل القاسم

المولود عام ٥٥١هـ والمؤرخ ٥٢٩هـ

انتخاب

الحافظ أبو اسحق ابراهيم بن محمد بن الازهر الصريفي

(٥٨١-٦٤١)

إعداد

محمد كاظم الخوئي

اما غير از اين تلخيص ها و ترجمه ها، دو ذيل بر تاريخ نيشابور حاكم نوشته شده، يكي به تمامی و ديگري به گونه ای ناقص باقی مانده است. اين دو عبارتند از السیاق یا السیاق لتاریخ نيسابور از عبدالغافر بن اسماعيل فارسی (٤٥١-٥٢٩ هـ . ق) و تلخیص آن کتاب با عنوان المنتخب من السیاق است که تقی الدین ابواسحق ابراهیم بن محمد ازهر الصریفینی (٥٨١-٦٤١ هـ . ق) آن را فراهم کرده است. یعنی همان کتابی که استاد ریچارد. ن فرای آن را در Histories of Nishapur در سال ١٩٦٥ م در سلسله انتشارات شرقی دانشگاه هاروارد به صورت عکسی همراه با مقدمه ای به چاپ رساند و محمدکاظم محمودی آن را با عنوان الحلقة الاولى من تاریخ نيسابور، المنتخب من السیاق، در قم، به سال ١٣٦٢ هـ / ١٤٠٣ هـ. ق چاپ کرد.

از اصل نوشته عبدالغافر، بخشی که شامل زندگینامه کسانی است که نامشان حسن بوده تا آخر کتاب، باقی مانده است (یعنی السیاق) و از تلخیص یا منتخب آن که تألیف صریفینی است نسخه ای کامل و منحصر به فرد در کتابخانه کوپرولو در استانبول موجود است. از مقایسه بخش های مشترک این دو، می توان دریافت که صریفینی در تلخیص سیاق کوشیده است که اطلاعات مرتبط با زندگینامه اشخاص را با روشی درست و دقیق خلاصه کند و از این بابت کمتر به حذف پرداخته. اما در اصل تألیف عبدالغافر فارسی، فواید بی شمار فقهی، کلامی، ادبی، تاریخی وجود داشته که متأسفانه در تلخیص صریفینی به آنها توجه نشده است. عبدالغافر، سیاق را از آنجا آغاز می کند که حاکم به پایان رسانده است و نخستین زندگینامه ای که در آغاز کتاب السیاق به آن می پردازد، شرح حال ابو عبدالله حاکم نیشابوری است. پس از او دیگر دانشمندان را تا اوایل قرن ششم هجری طبقه بندی و هر طبقه ای را براساس حروف الفبا آورده است.

صریفینی در بخش رجالی اثر خود به شرح حال مشایخ، علمای نیشابور، راویان حدیث، چه آنان که در نیشابور متولد و بزرگ شده اند، یا از آنجا عبور کرده و یا در آن شهر ساکن شده اند، پرداخته است و مجموعاً ١٦٧٨ شرح حال ارائه می نماید که عمدتاً کوتاه است و از یک سطر شروع و حداکثر به یک صفحه یا اندکی بیش خاتمه می یابد. مؤلف در تحریر این بخش از اثر، شرح حال افراد را از احمد شروع و به یاسین ختم می نماید، ولی قبل از پرداختن به شرح کسانی که نامشان احمد است، به ذکر احوال افرادی که نامشان محمد است، می پردازد.

صریفینی همچنین در بخش رجالی، شرح حال افراد خاندان های معروف را نیز بیان می دارد. من باب مثال باید به شرح حال افراد خاندان عبدالغافر فارسی اشاره کرد. یکی از نکات مهمی که در خلال شرح احوال عبدالغافر فارسی در این اثر می توان دریافت، همانا تاریخ تألیف کتاب السیاق است که صریفینی آن را در اواخر ذی قعدة ٥١٠ هـ . ق ذکر می نماید (ر. ک متن ص ٧٥٥). همچنین است شرح حال شاهفور اسفراینی، مؤلف تفسیر تاج الاعاجم، یا خاندان عبدالکریم قشیری (ر. ک متن ص ٥١٢).

اما آن چه بر اهمیت بخش رجالی اثر می افزاید آن است که بسیاری از این شرح حال ها تنها مرجع موجود و مأخذ کتب رجالی قرون بعد است.

مؤلف کتاب را براساس استاد ابوالعباس اصم به سه طبقه تقسیم کرده است. طبقه اول یاران اصم اند که سال وفات آنان از اوایل قرن پنجم هـ . ق تا آخر ربع اول همین قرن می رسد. طبقه دیگر شامل یاران و شاگردان اصم اند که وفیات آنان به سال ٤٦٣ هـ . ق می رسد و طبقه سوم شیوخ مصنف و معاصران او که وفیات آنان به بعد از وفات مصنف و حتی فتنه غز در ٥٤٨ هـ. ق و بعد از آن می رسد.

از دیگر وجوه ارزشی این اثر، اطلاعاتی است که مؤلف راجع به محلات، دروازه ها، مدارس، مساجد، معابر، همچنین نام تعدادی از روستاهای پیرامون نیشابور و خراسان به دست می دهد. این اطلاعات در نوع خود دارای اهمیت فراوانی است.

چنان که گذشت این متن مهم تاریخی به همت محمدکاظم محمودی تصحیح و به چاپ رسیده است. مصحح در تصحیح اثر، از منابعی چون انساب سمعانی، طبقات الشافعیه سبکی، تذکره الحفاظ ذهبی، مرآة الجنان، العبر و... بهره جسته است. در امر تصحیح در مواردی که کلمه ای تصحیح گردیده، مصحح محترم صورت اصلی کلمه را در نسخه ذکر نکرده و تنها آن را با علامت [ظ] مشخص نموده است. همچنین غالباً مطالبی را به نقل از کتابهایی که مرجع آنها السیاق بوده در داخل [] به متن افزوده اند که این امر خود تا حدی سبب خارج شدن تلخیص از صورت اصلی خود گردیده است. بهتر بود مصحح بزرگوار آن موارد را در حاشیه و با ذکر مرجع قرار می دادند.